



- توجیه اهانت و تمسخر در مورد اقلیت خدمتگزار در حالیکه بلافاصله بعد از موضوع اقلیت خدمتگزار که در اطلاعیه به آن اشاره کرده بودم، آورده شده است.



نکته مهم: این متن و هشتک مربوطه بعد از اعتراض بنده در جهت توجیه اهانت به عمل آمده، اضافه شده است:

در خصوص پست منتشر شده فوق و پیرو گفتگوهای بعمل آمده مجدداً و موکداً بعرض می رساند:

مخاطب آن نوشته، مدیریت نالایق حاکم بر آن معادن بود که وضعیت فعلی تاسف بار شاغلین در آنجا حاصل خیانتهای آنان می باشد که منجر به بروز فجایعی مانند معدن طیس گردیده است؛ بدین منظور قرار دادن هشتک #اقلیت_خائن با هشتک #معدن_طیس در پست مذکور اشاره تاکیدی به موضوعیت مدنظر دارد که با دو پست منتشر شده در همان تاریخ و از سمت استاد محترم در سایت و در صفحه توئیتر ایشان نیز همراستا می باشد! با این حال از آن تاریخ و با وجود تلاش های فراوان برای رفع سوء تفاهم و ایجاد رویه ای مطلوب برای بیان نظرات و گلیه ها، برداشت های نادرستی را که منتج به انتشار مطالبی سوء گردید را شاهد بودیم و نتیجه آن خسارت های زیادی را به همراه داشته است!

با این حال از آن تاریخ و با وجود تلاش های فراوان برای رفع سوء تفاهم و ایجاد رویه ای مطلوب برای بیان نظرات و گلیه ها، برداشت های نادرستی را که منتج به انتشار مطالبی سوء گردید را شاهد بودیم و نتیجه آن خسارت های زیادی را به همراه داشته است!

بدینوسیله ضمن ابراز تاسف فراوان، امید این می رود که این توضیح مجدد باعث توقف برداشتهای مغایر و هجمه های غیرقابل توجیه گردد و شاهد رفع قریب الوقوع آثار نامطلوب منتشر شده در دو سمت این ماجرا در صفحات مجازی باشیم!

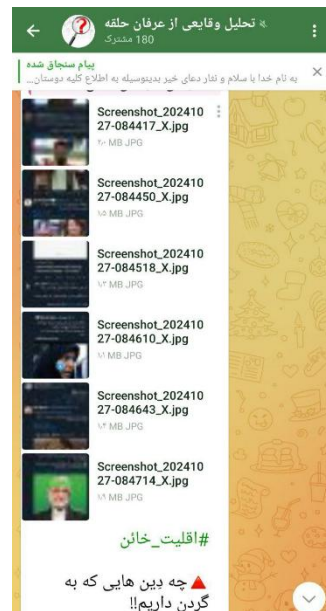
@aslahane_96



- توهین به افراد
- توهین به خود من



- توجیه خطا علیرغم اینکه افرادی که همراه آقای سعید یسایی بوده‌اند همگی خودشان به ارتکاب این خطا اذعان داشتند.



- با علامت تعجب می‌خواهند کتمان واقعیت بکنند. مگر نه اینکه تهاجمات به افراد اقلیت خدمتگزار از چند ماه قبل همزمان با اخراج آقای سبزیان پور را شروع کرده بودند؟



- بدون اینکه عذرخواهی و جبران مافاتی انجام بگیرد مطالباتی دارند!



- عدم عذرخواهی از افراد بدون اینکه قدمی برداشته شود و ابراز دلایل من درآوردی و بدور از واقعیت

- اتهام زنی به افراد در مورد اینکه تهیه فایل تهاجمات در کشور ترکیه بوده است!!!!(چه فرقی میکند که این فایل در کجا تهیه شده است!!!!؟؟؟)

- تمسخر شاگردانی که فایل تاریخ تهاجمات را منتشر کرده اند

- توهین به خود من در مورد تهیه فایل تاریخ تهاجمات

- علیرغم اینکه خود به وعده عمل نمی کنند، عملکرد دیگران که به جهت اقدامات نادرست آقای سعید یسایی بوده را نیز نقد می کنند

- چون مطلع هستند که احتمالاً اخراج در پیش است، برای اینکه موضوع اخراج را نیز مثل موارد دیگر خوار و خفیف جلوه دهند اذعان میدارند که در تاریخ 1403/7/23 از مجموعه خارج شده اند اما پستها در کانال مذکور پاک نشده و همچنان ادامه دارد

- آقای سعید یسایی علیرغم خطاکاری و عدم پذیرش خطا، برای پاک کردن مدارک جرم از کانال پیش شرط در نظر می گیرند

- طرح موضوع «تهدید جانی» بدون ارائه دلایل و مستندات (مثل موارد قبلی) و بدین

وسيله بهانه بدست اعضاي بهداشت معنوي دادن و آب در آسياب دشمن ريختن در جهت شانتاژ خبري و ...

- اتهام زنی به اقلیت خدمتگزار و ایراد دستور در مورد چگونگی مدیریت کارها در مجموعه شاگردان اکادمی طاهری!

الله علیم بذات الصدور

با سلام و احترام خدمت مدیریت عالی مجموعه عرفان کیهانی حلقه

بیش از دو ماه است که بواسطه ایراد مطالبی مهم و در خور تامل خدمت آن مقام عالی از جهت بررسی موشکافانه ماجراهای پیش آمده، شاهد فضای نامناسب و ملتهی برای اعضای درگیر و هدر رفتن وقت و انرژی و اعتماد هستیم!

نگارش این متن از بابت ضرب الاجل تعیین شده جهت اجابت اینجانب به موارد ذکر شده شامل:

۱- پاک کردن تمامی پست های منتشر شده از تاریخ بروز اختلافات تا این لحظه

۲- انتشار فیلم عذرخواهی از برخی از اعضا که در این مدت و در تعدادی از پست ها مورد نقد و به زغم برداشت آن حضرات مورد انگ قرار گرفته اند!

مجال توضیح و دفاعیه مبسوط در خصوص موارد مطروحه در پست های منتشر شده، بدلیل عدم بیطرفی و عدم توجه به ارایه دلایل متقن و مکفی از سوی آنان وجود ندارد؛ ذکر این مختصر و این مهم هم بدلیل انتشار فایل " تاریخ تهاجمات سعید یسائی در این چند ماه اخیر " است!

فایل مذکور

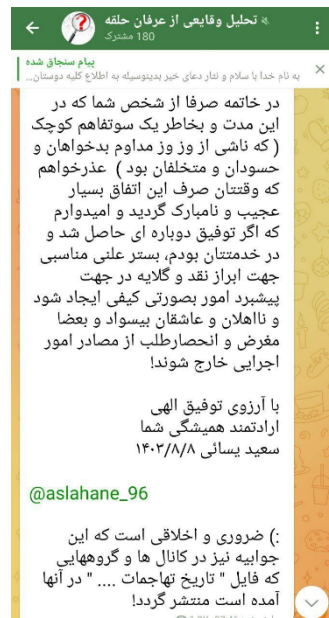
https://t.me/aslahane_96/5949

که قسمت اول آن در لینک بالا ارایه و در کشور ترکیه تهیه شده است حاوی شرح تاریخ انتشار پست های این کانال از تاریخ ۱۱ سپتامبر لغایت ۲۷ سپتامبر و حاوی نتیجه گیری های غیر واقعی و عجیب "های لایت شده" شخص (اشخاص) تهیه کننده می باشد!

در فرصت مقتضی و در صورت ادامه این رویه غلط، انتقادات خود را نسبت به برداشت های منتشر شده از آن فایل (تاریخ تهاجمات) عنوان خواهم نمود!

با این حال نگاهی دوباره به موارد زیر، ضروری و مورد درخواست دوباره اینجانب می باشد:

در مورخ ۱۴۰۳/۸/۱ لایو تصویری چند ساعته ای با حضور مقام عالی مدیریت و ۴ نفر از اعضای مجموعه منعقد و با وجود فراز و نشیب های سنگین در ابتدای آن جلسه، موارد صدرالاشاره این متن (حذف پست ها و فیلم عذرخواهی



(به انضمام پیشنهاد تشکیل جلسه دادگاه مجازی در مورخ ۴/۸ با حضور دهها نفر از درخواست کنندگان مخالف اقدامات بنده، مطرح گردید!)

با توضیحاتی مبسوط و چندین باره از طرف اینجانب و سایر حاضران آن جلسه نهایتاً و در پایان جلسه مقرر شد :

https://t.me/aslahane_96/5950

در این راستا و بعد از رایزنی های بعمل آمده متنی مطابق جمع بندی نهایی جلسه فوق تهیه که در لینک زیر قابل مشاهده می باشد:

https://t.me/aslahane_96/5930

پس از آن پیام دیگری از سمت مقام عالی مجموعه دریافت و مجدداً تاکید بر قبول و اجرای همان موارد ابتدایی را از سمت اینجانب عنوان و فرموده اند که "بدلیل عدم تامین درخواست ایشان گزیده ای از فیلم ضبط شده آن جلسه لایو را جهت انجام دو مورد اشاره شده در ابتدای این متن پخش خواهند نمود!"

لذا اگر تصمیم به پخش گزیده تصویری یک دقیقه ای از ابتدا و یا اواسط آن جلسه ۴ ساعته مدنظر است، درخواست می شود که توجه دوباره ای به جمع بندی نهایی مورد تایید حضرتعالی در زمان ثبتی ۳ ساعت و ۵۲ دقیقه فایل زیر مبذول نمایند:

https://t.me/aslahane_96/5950

همچنین بدلیل اینکه چندین مرتبه عنوان غیرمنتظره و ابداعی "دادگاه" مطرح شده است؛ عرض می کنم که

آیا شرایط و مقتضیات این اقدام عجیب (انتشار تاریخ تهاجمات) زیبنده آن عنوان بیسابقه (دادگاه) می باشد؟!

و آیا شرایط دادگاه بدوی- دادگاه تجدید نظر- اعاده دادرسی و در خصوص رای صادره و احکام صادره بعدی مشخص، محرز و قابل استناد می باشد؟!

تبعات انتشار وسیع یکسویه فایل "تاریخ تهاجمات... " از سوی دست اندرکاران، مدیران ناآگاه و بعضاً بی انصاف کانال ها و گروهها در تضاد با قول و قرارهای منعقد بین اینجانبان و مقام محترم عالی مجموعه و مغایر با اصول اخلاقی، عرفی و رسانه ای و باعث تضییع آبرو و اینجانب بوده و آن را حرکتی ناجوانمردانه می دانم!

علی ایحال از این تریبون کوچک که بیشتر یک کانال خودمانی است و نهایتاً ۱۰۰ نفر عضو دارد و تاب تحمل شاگردانی را که مدعی دارا بودن اصول عرفانی، دموکراسی و آزادی بیان و عقیده و هستند را تنگ نموده است، در کمال خضوع و ارادت به آن مقام عالی عرض می کنم که:

@aslahane_96

ادامه در پست بعد 📖

ادامه از بالا

تهیه فایل سخیف "تاریخ تهاجمات..." که قبل از لایو تصویری مورخ ۱/۸ بوده و انتشار بیرحمانه و وسیع آن، بعد از اجابت درخواست شما در این کانال به مفهوم و معنای آن است که رای دادگاه که فاقد اصول اجرایی اولیه تشکیل یک دادگاه بدوی منصفانه است؛ بدون تشکیل شدن آن اجرا و در جهت سم پاشی و آماده سازی اذهان اعضای مجموعه برای همراهی و اعمال فشار به بنده و صدور رای دیگری با عنوان احتمالی "اخراج" می باشد!

خاطر نشان می سازد که با فرض تایید موضوعات فوق، به فراخور عدم پذیرش و گوش سپاری به گلایه مندی های اینجانب و ایراد هجمه های بیسابقه و بدون توجیه در قالب "سخنی با مجموعه" و "جوابیه ها" و "بیانیه ها" و "کلپ های تصویری چند صد تایی اعلام برائت" و با "هشتگ های اتهامی عجیب و غریب" در تاریخ ۲۳/۷/۱۴۰۳ و علیرغم میل باطنی و قلبی از مجموعه خداحافظی نموده ام و جوابیه ها و پست هایی که بعد از آن تاریخ منتشر شده است از بابت خودسری ها و هتک حرمت های مستقیم تعدادی از این افراد در فضای مجازی می باشد!

با این حال و ضمن تشکر ویژه و دوباره از آن مقام محترم و در آستانه سالروز مبارک ۴۶ امین سال درخواست دارم
اولا آن جام شوکران را برای همیشه بدور بیندازند و دوما تمامی پست ها و مطالب مرتبط از جمله سخنی با مجموعه
و بیانیه ها و جوابیه ها و کلیپ های تصویری و از تمامی کانال و گروهها حذف شود و اینجانب نیز متعهد به حذف
تمامی مطالب و ویرایش عنوان کانال خواهم شد!

درخصوص فیلم تصویری عذرخواهی نیز؛ در آن طرف ماجرا طیف کثیری از افراد بی اطلاع و بعضا مخالف با
نظرات اینجانب، هدایت مستقیم افرادی را عهده دار شدند که در این مدت با فحاشی و هتاک و تهدید عرض اندام ها
نموده اند و میبایست همگی شان نسبت به تهیه فیلم عذرخواهی و یا تهیه متن مرتبط با امضای چند صد نفری اقدام
نمایند. این پیشنهاد را بعنوان حسن نیت تلقی بفرمائید. چرا که در هیچ کدام از پست ها و مطالب منتشر شده در این
کانال، هتاک و تهدید وجود ندارد و مطمئن باشید که اگر دل در گرو این مسیر و ارادت به آن مقام نبود، در مورد این
مطلب بسیار مهم و خطرناک (تهدید فیزیکی) از مقام های ذیربط قضایی درخواست رسیدگی و صدور پیگرد را
مطرح می نمودم و شاهد عواقب بسیار بدی برای آنان و بازتاب بد خبری برای این مجموعه بودیم!

در خاتمه صرفا از شخص شما که در این مدت و بخاطر یک سوتفاهم کوچک (که ناشی از وز وز مداوم بدخواهان و
حسودان و متخلفان بود) عذرخواهم که وقتتان صرف این اتفاق بسیار عجیب و نامبارک گردید و امیدوارم که اگر
توفیق دوباره ای حاصل شد و در خدمتان بودم، بستر علنی مناسبی جهت ابراز نقد و گلایه در جهت پیشبرد امور
بصورتی کیفی ایجاد شود و نااهلان و عاشقان بیسواد و بعضا مغرض و انحصارطلب از مصادر امور اجرایی خارج
شوند !

با آرزوی توفیق الهی

ارادتمند همیشگی شما

سعید یسائی ۱۴۰۳/۸/۸

@aslahane_96

(: ضروری و اخلاقی است که این جوابیه نیز در کانال ها و گروههایی که فایل " تاریخ تهاجمات " در آنها آمده
است منتشر گردد!

////////////////////////////////////

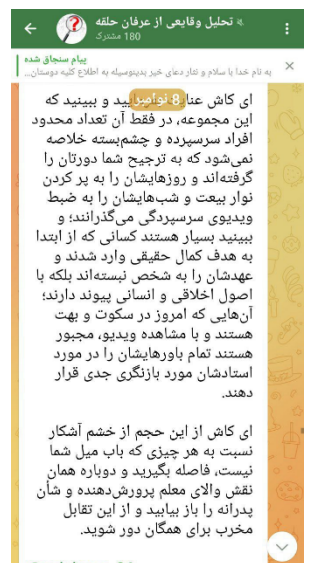
- انتشار فایل صوتی جلسه که بصورت شخصی ضبط کرده اند و ایجاد شبهه در مخاطبین
که فایل صوتی منتشر شده از کانال اینجانب منقطع است و ...



////////////////////////////////////



- انتشار کل جلسه 4 ساعته بنابر دلایل متعددی بوده که یکی از آنها تقطیع فایل توسط آقای سعید یسایی و انتشار آن در کانال شخصی و همچنین سوء استفاده از فایل جلسه بصورت تقطیع شده توسط احسان حدادی در پیج شخصی خود بوده است
- اینکه شاگردان از عملکرد معلم خود چه یاد می گیرند و یا اینکه یاد نمی گیرند مجددا باید عرض کنم که ربطی به آقای سعید یسایی ندارد چون بنابر گفته خود ایشان در تاریخ 1403/8/23 از مجموعه خارج شده اند و مسائل مجموعه و شاگردان ربطی به ایشان ندارد
- تخریب شخصیتی من
- اتهام زنی به افرادی که در جهت دفاع از حق اقدام به اینجانب کرده اند
- در اینجا خشم و عصبانیتی نیست، بلکه اقدام علیه از بین بردن حق و... است که در مورد اقلیت خدمتگزاران این مجموعه انجام گرفته است



- یکی از دلایل انتشار فایل صوتی به دلیل تهدیدی بوده که در چند مرتبه آقای سعید یسایی با تهدید اینکه مدارک خاصی در دست دارد که اگر منتشر شود ابروی مجموعه خواهد رفت، بوده است.

یک: به عنوان وظیفه‌ای مهم برای مشاورین اهل رسانه آن مدیریت محترم، لازم است این ضرورت بدیهی را یادآور شوند که اگر پاسخی به هر متن و مطلبی می‌دهند، حتما متن و مطلب مربوطه هم به شکلی (ارجاع مستقیم به آدرس محل انتشار، یا کپی بدون تغییر از متن اصلی) منتشر شود تا فهم و صحت مدعای هر دو طرف برای خواننده فهیم مقدور باشد.

همچنین لازم است تفاوت میان نشر عمومی یک جلسه خصوصی، دسترسی محدود به آن، دسترسی با سطوح محرمانه، و... را به تفکیک و وضوح تقدیم حضور کنند تا از این به بعد، اقدامات آتی متناسب با مفاهیم بدیهی باشند و موجب ایجاد سوء تفاهم نشوند.

دو: فایل پخش شده از صدای سرکار خانم مهری شیخو، از مجموعه پیام‌های صوتی این خانم به آقای یسائی بوده و اصلا بدون اجازه ضبط نشده. از استاد طاهری انتظار می‌رفت در این مورد دقت نظر بیشتری داشته باشند و به اشتباه، فایل مربوطه را "ضبط بدون اجازه" تلقی نکنند.

این تلقی اشتباه باعث می‌شود نگرانی جدی بوجود بیاید که شاید ایشان بقیه موارد را هم در جلسه، تحت سوء تعبیرها یا اشتباه برداشت کرده باشند.

ضمنا پخش فایل صوتی مذکور در جلسه لایو، برای پاسخ به سوال مدیریت مجموعه و جهت اطلاع ایشان بعنوان محرم انجام شده و واضح است قصدی برای نشر عمومی آن از سوی آقای یسائی نبوده. حال اگر استاد تصمیم به نشر آن گرفته‌اند، خود بایستی مسئولیت بعهده بگیرند.

سه: ابتدا کسی این‌جا دم از اخلاق نزده و این ادعایی گزافه است برای کسی که هنوز شاگردی می‌کند؛ تلاش بر رعایت اخلاق و کوشا بودن در این راه بوده، که همین برای شاگرد جهادی بزرگ است. اما در مقام استادی، موقعیت بسیار حساس و دارای ظرافت است چرا که چشمان جمع کثیری بر او متمرکز بوده و الگوی جمع است.

@aslahane_96

////////////////////////////////////

- موجبات دشمن شاد شدن را آقای سعید یسائی باعث شده اند و آنرا به گردن دیگران می‌اندازند و بدون اینکه در جهت جبران مافات قدمی بردارند، برای دیگران که در مقابل اعمال غیر عادی ایشان عکس العمل نشان می‌دهند، نسخه می‌پیچند!



////////////////////////////////////



در خصوص مکالمه ی منتشر شده

ما بین امیرحسین میرخلیلی و سینا احسن

پر واضح است که این مستر معلوم الحال با شنیدن فایل چهارساعته میان استادو شاگردان و شنیدن نام خود در آن مکالمات ، نسبت شاخصه بارز شخصیتی خود که همیشه در پی منفعت طلبی بوده است

عجیب می بود اگر ایشان به این جریانات ورود نمی کرد

مطمئنا ایشان با بروز اینچنین جریاناتی محیط را مساعد میدید که به دنبال بادمجانی باشد برای چیدن دور قاب

طبیعیست با شناخت مجموعه از ایشان هرکسی همراه ایشان نمی شد مگر شاگرد خوش نام خودش جناب سینا که ایشان نیز از ابتدا نقش مزدوری در مجموعه را به عهده داشته است و این مقال هم مزد اشتیاقش بوده است

وچه ترکیبی بهتر از ایندو شاگرد و مستر برای نوشتن سناریوهای دروغین و پوشالی

برای آنانکه اینان را می شناسند کاملا مشهود است گفتگوی "روباه و دمش"

که چه هنرمندانه سخن را به یکدیگر پاس داده و بسیار سخیفانه دروغ را به افترا و تهمت را به بی شرفی رج میزدند

حقیقتا باعث سرخوردگی ماست که مجبور به پاسخگویی با این پرندگان گردن دراز بی موی مجموعه هستیم

لذا به اطلاع استاد ارجمند میرساند

ما همچنان در مقاومت در مقابل پاسخگویی هستیم چراکه همچنان حرمت معلم و کلاس درس برای ما مقدس است

ولی مسئولیت آنچه که در کلاس اتفاق می افتد مطمئن با معلم است نه شاگرد

تقابل شاگرد با شاگرد هیچ سودی برای کلاس نخواهد داشت که زیانبار نیز هست

به قول سعدی

رحم آوردن بر بدان ، ستم است بر نیکان، و

عفو کردن از ظالمان جور است بر درویشان.

خبیث را چو تعهد کنی و بنوازی

به دولت تو گنه می‌کند به انبازی

نشاید که این سیاهی لشگران دون مایه

باعث بروز تقابل وکنار رفتن پرده هایی شوند که جز به زیان مجموعه نباشد

چرا که باز شدن صندوقچه های اینگونه افراد جز به کسر شأن مجموعه نباشد

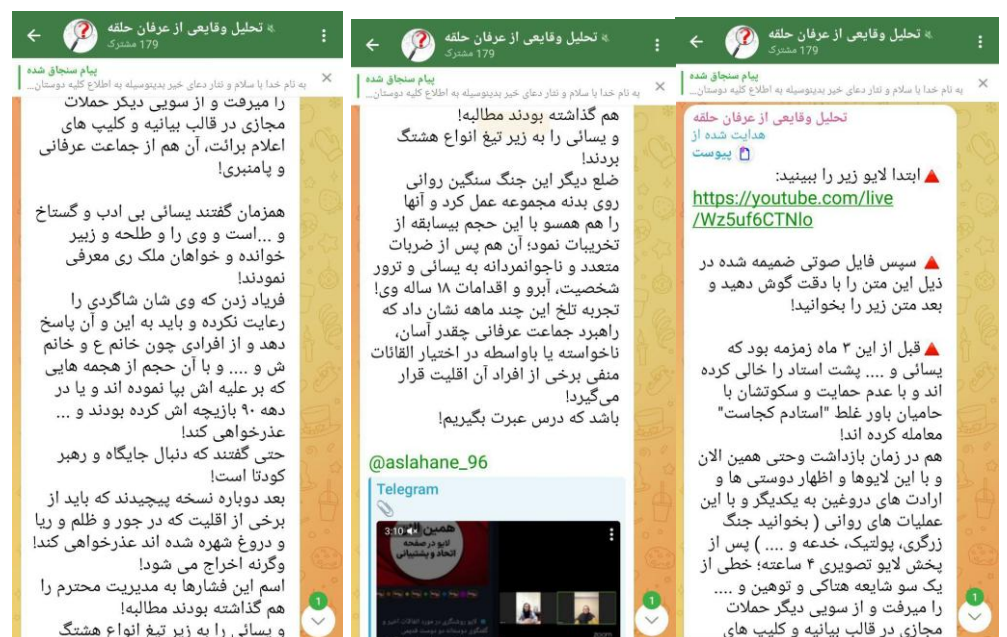
با نثار دعای خیر

رامین

19/08/1403

- توهین به اشخاص و تهمت زنی و
- تهدید به افشاگری و آبروریزی و... درحالیکه بایستی از این افراد سوال شود که مدارک علیه افراد مجموعه را در طی این همه سال به چه منظوری جمع آوری و نگهداری شده که امروز هم به این صورت با سوءاستفاده از آنها اقدام به حق سکوت و باج گیری شود و...

////////////////////////////////////



ابتدا لایو زیر را ببینید: (https://t.me/Atch2023Archives/25084)▲

https://youtube.com/live/Wz5uf6CTNlo

▲سپس فایل صوتی ضمیمه شده در ذیل این متن را با دقت گوش دهید و بعد متن زیر را بخوانید!

▲قبل از این ۳ ماه زمزمه بود که یسائی و پشت استاد را خالی کرده اند و با عدم حمایت و سکوتشان با حامیان باور غلط "استادم کجاست" معامله کرده اند!

هم در زمان بازداشت حتی همین الان و با این لایوها و اظهار دوستی ها و ارادت های دروغین به یکدیگر و با این عملیات های روانی (بخوانید جنگ زرگری، پولتیک، خدعه و) پس از پخش لایو تصویری ۴ ساعته؛ خطی از یک سو شایعه هتاکي و توهين و را ميرفت و از سویی ديگر حملات مجازی در قالب بيانيه و کليپ های اعلام برائت، آن هم از جماعت عرفانی و پامنبری!

همزمان گفتند یسائی بی ادب و گستاخ و ... است و وی را و طلحه و زبیر خوانده و خواهان ملک ری معرفی نمودند!

فریاد زدن که وی شان شاگردی را رعایت نکرده و باید به این و آن پاسخ دهد و از افرادی چون خانم ع و خانم ش و و با آن حجم از هجمه هایی که بر علیه اش بپا نموده اند و یا در دهه ۹۰ بازیچه اش کرده بودند و ... عذرخواهی کند!

حتی گفتند که دنبال جایگاه و رهبر کودتا است!

بعد دوباره نسخه پیچیدند که باید از برخی از اقلیت که در جور و ظلم و ریا و دروغ شهره شده اند عذرخواهی کند!

وگرنه اخراج می شود!

اسم این فشارها به مدیریت محترم را هم گذاشته بودند مطالبه!

و یسائی را به زیر تیغ انواع هشتگ بردند!

ضلع دیگر این جنگ سنگین روانی روی بدنه مجموعه عمل کرد و آنها را هم همسو با این حجم بیسابقه از تخریبات نمود؛ آن هم پس از ضربات متعدد و ناجوانمردانه به یسائی و ترور شخصیت، آبرو و اقدامات ۱۸ ساله وی!

تجربه تلخ این چند ماهه نشان داد که راهبرد جماعت عرفانی چقدر آسان، ناخواسته یا باواسطه در اختیار القائنات منفی برخی از افراد آن اقلیت قرار می گیرد!

باشد که درس عبرت بگیریم!

aslahane_96@

- اقدامات 18 ساله !!! کدام اقدامات؟ همانها که در آن همسرو وکیل و نزدیکان و دوستان مرا سپاهی و حلومتی معرفی می کردید؟

////////////////////////////////////

- توهین و هتاکي نسبت به خانم بهارین عسکریه و اتهام زنی به ایشان وقتی که ایشان در کانال انجمن از میر پاسخ هجویات آقای سعید یسائی را میدهد



////////////////////////////////////



باب شده است " حر " شدن

مُد شده است گویا

درخواست هایی از طرف دوستان دور و نزدیک برای حر شدن دریافت کرده ایم

و البته چه بسیار تهدید و دستور! برای حر شدن

قصه حر ، انتخاب شهادت در مقابل ناحق بود

انتخاب آگاهانه ی فنا شدن

در این بازار مُد که برخی گذشته ی نازیبای خود را بقچه کرده در گنجه نهاده و با پیشانی بند

" حر شده ام " باز می گردند به سمت آنانی که مقرب درگاهند ،

باز میگردند به آنانی که عمری با آنان در تضاد عملکرد بوده اند

تضادهای خود را فرو می خورند و باز میگردند که باشند ، آنجا که نزدیکتر است !

در بازگشت و جابجایی و تغییر ماهیت اینان هرچه جستجو کردم ؛ شهادت یا فنای فی الله و حتی فنای فی الخلق شدنی ، ندیدم!

حر شویم که مستتر کنیم نیت خود را ؟

حر شویم که به آستانه ی آرامش برسیم؟

حر شویم که از تاخت و تازها مصون شویم؟

حر شویم که مقرب تر شویم؟

حر شویم که شاید جایگاهی بیابیم ؟

مگر حر شدن از دست دادن و فنا شدن در مسیر حق نبود؟

#فنا_شدن

حقیقتا این که مد شده

به " مروان " شدن

به " اشعث " شدن

شاید هم

به عمر سعد شدن مانند

تا به #حر_شدن

خداوندا

یا نان اندازه در ده

یا در اندازه ی نان کن

#آرامین

aslahane_96@

- تمسخر مقوله حُرّ شدن و موضوع اطلاعیه مربوط به خانم بهشید
- جا انداختن اتهام سیستم مرید و مرادی
- تمسخر بازگشت افراد جدا شده از مجموعه به دامن مجموعه !!!

- توهین و اتهام زنی به خانم بهارین عسکریه وقتی که ایشان چت‌های فاطمه صغری میرزاییان از موسسه امنیتی تروریستی بهداشت معنوی را در جهت افشای توطئه‌های شوم ثارالله د رمورد پروژه دروغین مهسا منتشر کرده است.
- حمایت فاطمه صغری میرزاییان از آقای سعید یسایی در کانال موسسه امنیتی تروریستی بهداشت معنوی که آقای سعید یسایی که خود مسبب اصلی شدن دوباره این کانال علیه عرفان حلقه بوده در پیام جوری وانمود می کند که گویی علیه سعید یسایی در کانال بهداشت معنوی مطلبی گذاشته شده است!!!!
- تحریف اذهان عمومی مجموعه شاگردان با دروغ و دغل



متن ارسالی

بیش از دو ماه است که در انتظار فرونشستن خشم‌ها و هجمه‌ها هستیم؛ استاد عزیز لازم است در این باره بیان‌دیشند که چرا در خصوص یک ماجرا که به سادگی قابل حل و فصل بود به این نقطه رسیدیم؟

آیا آنچه رخ داده و بدتر از آنهم در حال اتفاق است، قابل انتظارشان بود؟ اگر بود، چرا با تدابیر عالیه‌ای که دارند مانع وقوع آن نشدند و اگر نبود، چه علل و عواملی مانع دیدن واقعیت و پیش‌بینی آن شد؟

به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی این قبیل امور، جلوگیری از طرح نظرات مخالف و انتقادی در سطح مجموعه است. نقطه قوت سازمان‌ها و مجموعه‌های آموزشی برتر در سراسر دنیا این است که هر استراتژی، سیاست و تصمیم آن‌ها، قابل نقد از سوی نیروهای منتقد و مخالف به صریح‌ترین و عریان‌ترین شکل ممکن است. همین مسئله زوایای مختلف موضوع را پیش چشم تصمیم‌گیران می‌آورد و آنان را نسبت به عواقب تصمیم‌شان هشیار می‌کند و یا در صورت نادیده گرفتن هشدارها به پای میز پاسخگویی می‌کشاند!

اتفاقات چند ماهه اخیر حاکی از این است که در مجموعه ما گویی برخی تصمیمات، مقدس و مطلقاً پیرش ناپذیرند به طوری که اگر عضوی از درون و یا فردی از بیرون از زاویه‌ای متفاوت، خطرات و عواقب آتی یک تصمیم را گوشزد کند، بلافاصله به عنوان عامل دشمن و یا معاند معرفی می‌شوند!

در واقع و با مشاهده شواهد اخیر، کار به جایی رسیده است که عده‌ای تحت عنوان "نیروی خدمتگزار (اقلیت)" اظهار نظرات را هم فقط حق انحصاری خود می‌دانند و برای دیگران کمترین شایستگی و جایگاهی برای ارائه نظرات خود نمی‌بینند و در صورت ابراز، فرد مورد نظر در گروه‌های مربوطه تهدید، بلاک و یا حذف می‌شود! همین‌ها با ایجاد فضای حمله و تهمت، مانع سنجش همه‌جانبه اتهامات وارده بر افراد می‌شوند و با تحمیل نظرات و جوابیه‌های سطحی و هیجانی و پرهزینه خود به مدیریت محترم و به مجموعه، سبب بروز اختلافات و چند دستگی‌ها می‌شوند. (لازم است که معیار واقعی سنجش درستی انجام امور فله‌ای اخیر (برائت و بیانیه) فقط همین چند صد نفر افراد شرکت کننده در انجام این قبیل امور نباشند.)

آنچه در این اواخر و در مجموعه علیه چندین نفر که سوابق درخشانی داشته‌اند رخ داده است، مساله کوچکی نیست که بتوان آن را کم اهمیت شمرد و یا منحصر به همین مورد نیست که قابل تکرار نباشد.

خیزی که توسط عده‌ای برای حذف آنان برداشته شده است، ابعاد دیگری هم دارد که از جانب طیف دیگری مورد رصد و نقد قرار گرفته است. به رغم ظاهر ماجرا کارشان را هم با هماهنگی با استاد عزیز پیش می‌برند.

مقابله با این وضعیت خطرناک، همه توان فکری مجموعه و افرادی منصف و بدور از حاشیه را طلب می‌کند.

@AD1_review

aslahane_96@

- بنده در جریان تمام حالت‌های یک جریان هستم و تنها راه حل این جریان عذرخواهی از افرادی که مورد اهانت و افترا واقع شده‌اند می‌باشد که تا این لحظه غرورتان اجازه اینکار را به شما نداده است.
- همه رویه این جریان قابل پیش بینی است و چیز عجیب و بعیدی نیست و شما فقط فرصت‌ها را از دست داده‌اید

////////////////////////////////////



♦♦ خطاب به #آیدا_سعیدبخت و تیم تحریریه‌ی ایشان ، در گروه توسعه

نظر به اینکه شما به عنوان گرداننده‌ی آن گروه به همراه میرزا بنویسان آن گروه

بر خود وظیفه‌ای تعریف نموده‌اید که جوابیه تولید و منتشر نمایید

ظاهراً کمیت در تولید را فدای کیفیت و محتوا نموده‌اید

مگر شما درس کیفیت نخوانده‌اید که اینچنین فله‌ای و آبکی به بررسی نشسته‌اید؟!

کاملاً مشهود است که هدف فقط حمله و تخریب است

گویا اضطراب عقب افتادگی از دیگر مهاجمان هم جنس ، شما را فراگرفته است

• حملات شما در این متون و آن تحلیل های سخیف

مرا یاد لشگریان فیلم ارباب حلقه ها می اندازد

، پرجمعیت ولی کور !

▼یادآور میشوم در فایل منتشر شده

از چهار ساعت جلسه ی استاد و شاگردان

که شما بسیار یک سویه به تحلیل آن نشسته اید و رفتار و سخنان شاگردان را زیر ذره بین گرفته اید و با قلدری آن تحلیل ها را قلم میزنید و منتشر می نمایید

ذره بین های شما اشاره ی استاد به تخلفات شخص شما را نمی بیند یا قرار بر ندیدن است ؟!

«بدیهیست قلم فرسایی های فله ای شما این حق را برای دیگران می گشایید که به نقد و بررسی و تحلیل موشکافانه از بیشمار #تخلفات_عرفانی و #انحرافات_اخلاقی

شما که نه تنها در مکاتب عرفانی که در حافظه ی تاریخی بشر ، منحصر بفرد است و شرف انسانیت را خدشه دار میکند ، پرده بردارد

که اگر اینچنین شود

(که با روند کنونی شما این امر دور نیست

باید به نظاره نشست که این چندهزار نفر که در گروه توسعه ، شما را به راهبری پذیرفته اند چه نظراتی خواهند داد

ما نگوییم بد و میل به ناحق نکنیم

جامهء کس سیه و دلق خود ازرق نکنیم

رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم

سر حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم

خوش برانیم جهان در نظر راهروان

فکر اسب سیه و زین مغرق نکنیم

گر بدی گفت حسودی و رفیقی رنجید

گو تو خوش باش که ما گوش به احمق نکنیم

#آرامین

@_96aslahane

- توهین به خانم ایدا سعید بخت

- تهدید به افشای مدارک و ...

////////////////////////////////////



سختی با مجموعه ای از حمله کنندگان و آتش به اختیار ها ،

همانانی که برای ساختن رزومه ای برای خود

حیا را خورده و آبرو را قی کرده اند

عجیب است که اینان در قالب ادمین های فعال گروه های پر جمعیت ،

نام #عرفان حلقه و مباحثی چون #خدامحور_خدامحوری این مکتب ناب را در جوار یاوه گویی ها ، هتاکی ها و بهتان ها به دیگر شاگردان چیدمان می کنند

بدیهیست آنانکه از بیرون ناظر این جریانات هستند دچار تردید بر اساس رهروی در این مکتب شوند

به هر روی اخیرا شاهد فعالیت مجدد اعضای "معلوم الحال" بهداشت معنوی هستیم که نشان از خرسندی این جماعت متحجر از حملات شما ناآگاهان به کهنه شاگردان با سابقه دارد

همان شاگردانی که در دهه نود همین اعضا بهداشتی را به ستوه آورده بودند و امروز شما هستید که با این حملات کورکورانه و شعبان بی مخی ، آب بر آسیاب آنان می ریزید

در هر حال ظاهرا همانی در حال وقوع است که حدس می زدیم

دشمن_شادی!

پیامهای منتشر شده ی ما در همین کانال و سخنان خصوصی ، گواه همین نگرانی ها از وقوع این اتفاقات بوده است
بارها زنهار داده ایم که اگر آنطور شود که شاگرد در مقابل به #اصطلاح_شاگرد قرار گیرد نهایتا برای مجموعه عرفان حلقه زیان خواهد داشت و بس

فعالیت های اخیر بهداشتی های مثلا معنوی! همان شاهی است که از غیب رسید

با این حال همچنان دلسوزانه هشدار میدهم اگر گشاده دهانی ها و بهتان ها و رجزخوانی ادمین های گروه های توسعه ادامه یابد با پاسخ ما مواجه خواهند شد

و تشنه هایی از بامهایی خواهد افتاد که مطمئنا آن بدخواهان قسم خورده از این فضا سواستفاده خواهند نمود و نیت شوم خود را دنبال خواهند کرد

نباشد که عنان کنترل از کف رود و پس از آن حسرت لشگریان صفین را تداعی کند که شما باعث و بانی آن هستید ، نه کس دیگری .

از ما گفتن...

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

محل قابل و آنگه نصیحت قائل

چو گوش هوش نباشد چه سود حُسن مقال

#آرامین

aslahane_96@

- شروع همه‌ها از آقای سعیدیسایی بوده و ادمین‌های گروه‌های توسعه فعالیت‌های اکادمی طاهری جواب این همه‌ها را می‌دهند و باز مورد غضب شروع کنندگان این ماجرا قرار می‌گیرند
- توهین به اقلیت خدمتگزار
- آب در آسیاب دشمن ریختن زمانی اتفاق افتاد که آقای سعید یسایی شروع به ایجاد همه علیه اقلیت خدمتگزار کردند
- وارونه جلوه دادن وقایع و تحریف اذهان عمومی مجموعه مانند گذشته

////////////////////////////////////



متن ارسالی/ پرسش و پاسخ

پرسش :

آیا متهم به جرم و تخلف، میتواند همزمان قاضی صالح دادگاه مربوطه، برای رسیدگی به اتهامات خودش نیز باشد؟!

طرفداران و هواداران او چطور؟!

پاسخ :

در دنیای وارونه، چه چیزی از این بهتر، فرافکن تر و پر سودتر....

البته، در بینش دنیای غیر وارونه، اتهام زننده و متهم و شاهد و قاضی تنها خود سالک خودشناسی(نه دیگر شناسی) ، است.

✓پرسش و پاسخ معرفتی:

از جانب استاد و مربی عرفان کیهانی(حلقه)، از معرفت پژوهان این مکتب معرفتی،

پرسش شده:

نسبت شما (تو نوعی مدعی معرفت پژوهی)، به من(مدعی استادی و مربیگری)، چیست؟

پاسخ من نوعی:

نسبت اصلی من نوعی به شما، نسبت دو سوگند خورده در پیشگاه خداوند متعال است؛ نه چیزی بیشتر و نه چیزی کمتر از آن. زیرا:

شما، ادعایی با عنوان "معرف شعور و هوشمندی و تفویض کننده رحمت عام الهی و امانتدار بودن" را با شرایط زیر، مطرح فرمودید؛

الف، بدون مراد و مریدی

ب، بدون پند و نصیحت

پ، بدون دعوای کلامی

ت، بدون هیچگونه توقع و منت

ث، بمنظور معرفت پژوهی عملی در خصوص خودشناسی (نه دیگر شناسی)، تا درک چهار صلح(با خدا، با هستی، با خود و با دیگران)

ج، و تنها در راستای اصول عملی عرفان کمال(نه عرفان قدرت)

بر همین مبنا، من نوعی و شما با هم در پیشگاه خداوند، سوگند یاد کردیم؛ در حفاظت و انتقال بدون شائبه ی این مهم به دیگران، هر دو امانتدار باشیم.

از منظر هستی هوشمند،

بدون تعارف، فعلا هر یک از ما به نوعی فقط یک مدعی معرفت هستیم، ولا غیر.

و خوب، در این وسط هنوز معادلات و معاملات غرور و تفاخر در بازار بینش و منش دنیای وارونه نیز بین ما همچنان فعال و پر رونق بنظر میرسد...

ولی بدون شک در پیشگاه خداوند(مدنظر در سوگند) ، تا فرا رسیدن وقت معلوم هر مدعی خودشناسی(نه دیگر شناسی)، در بینش دنیای وارونه هم هیچ مرجع آگاه و عادل و صالحی برای قضاوت ادعاهای معرفت و خود شناسی، وجود ندارد.

در نهایت، چون پرده ی بینشی بین دو دنیا بر افتد،

در مسیر خود شناسی(نه دیگر شناسی) نیز هیچ بالا و پایین و جلوتر و عقب تر و انحراف و بیراهه و عیب و تخلف و فساد و رفوزه و نرسیده و سقوطی و اخراجی و بلعکس ش هم دیده و گزارش نمی شود.

@AD1_review

aslahane_96@

- نسبت من استاد با شما ی شاگرد نسبت معلم و شاگردی است کما اینکه من برای شروع آموزش از شما سوگندنامه های متعددی را دریافت کرده ام و آیین نامه های مختلفی را پذیرفتید و گرنه به شما آ «وزش نمی دادم که امروز اینگونه مدعی باشید
- سیستم مرید و مرادی در مکتب عرفان کیهانی حلقه وجود ندارد. ضمن اینکه این سیستم در همه جریان های عرفانی وجود داشته و دارد و یک حق مسلم برای مرشد و پیر و قطب است و جرمی محسوب نمیشود و فقط

حکومت‌های نامردمی از آن وحشت دارند و عواملی که می‌خواهند رشته امور جریانی را به دست بگیرند و با این ترتیب نمیتوانند و راهشان مسدود است.

- پند و نصیحت در کار زمینی و عشق و اتصال و بله بی ابزاری در کار اسمانی. به عبارت دیگر کار زمینی، قانون زمینی و کار آسمانی، قانون زمینی/ اما زرنگ ها موقع زرنگ بازی این موارد را وارونه میکنند. اما دیدید که همه این مجموعه در این کار زمینی توهین و افترا و ... همگی شما را نصیحت کردند و کسی به شما نگفت اتصال بگیرید و یا...
- تا درک چهارصلح برای سالک است نه برای سوءاستفاده گران که از این موضوعات چیزی را نمی فهمند
- چهارچوب عرفان حلقه بر خلاف بقیه مکاتب کاملا واضح و آشکار است و هرگز نیز از آن خارج نشده یکی از این موارد، تمایل به نزدیکی به شبکه مثبت و اجتناب از شبکه منفی می باشد.
- دیدگاه هستی هوشمند را شما از کجا میدانید که چیست؟
- پرده دو دنیا بر افتد هم چیزی از زشتی عمل بد و خوبی اعمال نیک کم و زیاد خواهد شد

////////////////////////////////////

متن ارسالی	تحلیل وقایعی از عرفان حلقه	تحلیل وقایعی از عرفان حلقه	تحلیل وقایعی از عرفان حلقه
هر فرد در مواجهه با شرایط تنش زا مکانیسم های جبرانی متفاوتی بروز می دهد. عصبانیت، پرخاشگری، آسیب زدن به خود و دیگران معمولی ترین مکانیسم های مواجهه با آزردهی های روحی و روانی هستند. یک نفر به هر دلیلی در جلسه ای حاضر شد و با صدایی عریان، عصبانیت و شرایط بحرانی خود را نشان داد. پیداست که در شرایط روحی و روانی طبیعی نبوده و قطعاً عواملی او را به این مرتبه سوق دادند. هیچ کس و حتی خود او نیز در حالت عادی چنین شکل و شیوه ای را نمی پسندد. انتخاب این رفتار حکایت از بحرانی عمیق و هیجانی شدید داشت. این که او فریاد می زند و دست بالا و پایین می کند. از کوره در می رود و یا با قصد و هدف این کار را کرده هرگز اهمیت ندارد. آنچه که در آن صحنه و بعد از انتشار صدا و تصویر آن جلسه دیده می شود و اهمیت دارد تنهایی آن آدم و حملات عجیب غایبین آن	نزدیک کنیم این خود نشان نمی دهیم. با او حرف نمی زنیم. دستش را نمی گیریم. همراهش نمی شویم. صدایش را نمی شنویم. حریمی امن برای او که یکی از خودمان است و هراسیده و تنها شده است قائل نمی شویم. آرامش و اعتماد از دست رفته او از این جریان معرفتی را به او باز نمی گردانیم. صحنه های تلخی که بعد از آن جلسه خلق شد. تابلوی گویای حملات عجیب و سازماندهی شده برای آن هم درین و تکه تکه کردن تار و پود یک فرد است. فردی تنها و ترسیده و سر درگم. بی تفاوتی خیلی ها در این ماجرا که نمود آن نیز بارها مشاهده شده تباه کننده مرام اخلاقی و معرفت انسانی است. هیچ نشانی از یک جمع آگاه و عارف و مسئولیت پذیر در بین ما وجود ندارد. مجموعه ای شقه شقه و اشفته را به نمایش گذاشتیم. هیچ کدام در چنین صحنه هایی کار درست تر را بلد نیستیم. هیچ چیزمان در این موارد سر جای خودش نیست. بی تفاوتی اکثریت ما به آن مرد فریاد زن نشانه ای از بی تعلقی و بی مسئولیتی ما به همنوعانی این چنین است. غافلاً از آنکه در نگاه خود	است. غافل از اینکه بزرگای خود نیز مثل او و یا شدیدتر از او واکنش نشان می دهیم و یا حتی قالب تهی می کنیم. صحنه های اخیر نشان داد ما همراهان بی پیوستگی و بی پشتوانه ای هستیم. آنچه در آن جلسه شبهه دادگاهی دیده شد مرد ترسیده ای بود که مصیبت تنهایی و ظلم به خود و دیگران را با صدایی عریان فریاد می زد اما، نمی دانست که آدم های ترسو و بی تعهد به همنوعانی چون او پیش از آن که ترسو و بی تعهد شوند کور و کر می شوند. هیچ اهمیتی ندارد که آن مرد فریاد زن عرفانی بود یا ضد عرفان، آپ در آسیاب دشمن ریز بود یا کودتاجی، حق داشت یا نداشت، رفتارش درست بود یا نبود، هر چه که بود مردی تنها بود که تنهایی و ظلم ها و تخلفاتی را فریاد می زد. او فریاد شده بود و از تنهایی خود و دیگرانی مثل خود می گریخت. همه فقط فریاد او را دیدند و صدای در پس آن را نشنیدند. هیچ کس، شاید نزدیک او هم نفرت. از او و با بر حسب های مختلفی اعلام برائت شد. فقط تهدید های مداوم. جهت اخراج تمام اه	

متن ارسالی

هر فرد در مواجهه با شرایط تنش زا مکانیسم های جبرانی متفاوتی بروز می دهد. عصبانیت، پرخاشگری، آسیب زدن به خود و دیگران معمولی ترین مکانیسم های مواجهه با آزردهی های روحی و روانی هستند.

یک نفر به هر دلیلی در جلسه ای حاضر شد و با صدایی عریان، عصبانیت و شرایط بحرانی خود را نشان داد. پیداست که در شرایط روحی و روانی طبیعی نبوده و قطعاً عواملی او را به این مرتبه سوق دادند. هیچ کس و حتی خود او نیز در حالت عادی چنین شکل و شیوه ای را نمی پسندد. انتخاب این رفتار حکایت از بحرانی عمیق و هیجانی شدید داشت.

این که او فریاد می زند و دست بالا و پایین می کند. از کوره در می رود و یا با قصد و هدف این کار را کرده هرگز اهمیت ندارد. آنچه که در آن صحنه و بعد از انتشار صدا و تصویر آن جلسه دیده می شود و اهمیت دارد تنهایی آن آدم و حملات عجیب غایبین آن جلسه و عدم اطلاع دقیق و بیطرفانه آنان از این قبیل ماجراهاست. آنچه در طول این مدت دیده می شود بروز و حضور آدم هایی است که بدیهی ترین رفتارهای اجتماعی را بلد نیستند. نمی دانند با یک آدم آشوب زده و اشفته حال چگونه باید مواجه شوند؛ شاید هم می دانند اما نمی خواهند وارد گود اصلی ماجرا شوند. نمی خواهند از نگاه آن فرد تنها و فریاد زن به مساله بنگرند.

صحنه فریاد زدن آن مرد و رفتار عجیب تر خیلی ها در طول این مدت نشان داد که ما تماشاگران ماهری هستیم. کار ما این است که سوژه ای پیدا کنیم و به تماشا بنشینیم و یا بشدت تمام بر آن بتازیم. پر مدعاهایی هستیم که در مورد چنین اتفاقی مداخله و مسئولیتی درست از خود نشان نمی دهیم. در مواجهه با چنین بحران هایی، گله وار در پی تخریب و حذف سریعتر و یا در جهت خوشامد این و آن قدم بر می داریم.

رفتار بهنجار و عملکرد عرفانی که به هر طور ممکن خود را به مرد فریاد زن نزدیک کنیم از خود نشان نمی دهیم. با او حرف نمی زنیم. دستش را نمی گیریم. همراهش نمی شویم. صدایش را نمی شنویم. حریمی امن برای او که یکی از خودمان است و هراسیده و تنها شده است قائل نمی شویم. آرامش و اعتماد از دست رفته او از این جریان معرفتی را به او باز نمی گردانیم.

صحنه های تلخی که بعد از آن جلسه خلق شد. تابلوی گویای حملات عجیب و سازماندهی شده برای از هم دریدن و تکه تکه کردن تار و پود یک فرد است. فردی تنها و ترسیده و سر درگم. بی تفاوتی خیلی ها در این ماجرا که نمود آن نیز بارها مشاهده شده تباه کننده مرام اخلاقی و معرفت انسانی است. هیچ نشانی از یک جمع آگاه و عارف و مسئولیت پذیر در بین ما وجود ندارد. مجموعه ای شقه شقه و آشفته را به نمایش گذاشتیم. هیچ کدام در چنین صحنه هایی کار درست تر را بلد نیستیم. هیچ چیزمان در این موارد سر جای خودش نیست.

بی تفاوتی اکثریت ما به آن مرد فریاد زن نشانه ای از بی تعلقی و بی مسئولیتی ما به هموعانی این چنین است. غافل از اینکه در بزنگاهی خود نیز مثل او و یا شدیدتر از او واکنش نشان می دهیم و یا حتی قالب تهی می کنیم.

صحنه های اخیر نشان داد ما همراهان بی پیوستگی و بی پشتوانه ای هستیم.

آنچه در آن جلسه شبه دادگاهی دیده شد مرد ترسیده ای بود که مصیبت تنهایی و ظلم به خود و دیگران را با صدایی عریان فریاد می زد اما، نمی دانست که آدم های ترسو و بی تعهد به هموعانی چون او پیش از آن که ترسو و بی تعهد شوند کور و کر می شوند.

هیچ اهمیتی ندارد که آن مرد فریاد زن عرفانی بود یا ضد عرفان، آب در آسیاب دشمن ریز بود یا کودتاچی، حق داشت یا نداشت، رفتارش درست بود یا نبود، هر چه که بود مردی تنها بود که تنهایی و ظلم ها و تخلفاتی را فریاد می زد.

او فریاد شده بود و از تنهایی خود و دیگرانی مثل خود می گریخت. همه فقط فریاد او را دیدند و صدای در پس آن را نشنیدند. هیچ کس، شاید نزدیک او هم نرفت. از او و با بر چسب های مختلفی اعلام برائت شد. و فقط تهدید های مداومی چون اخراج برای او مطرح شد.

@AD1_review

aslahane_96@

- توهین به افراد مجموعه
- عربده های آقای سعید یسای را با انگیزه ترس توجیه کردن
- وارونه نمایی و مظلوم نمایی های مسبوق به سابقه وقتی پروژه ای شکست می خورد و
- بی اعتبار کردن آموزه ها و ادعای بی تاثیری آنها در ذهن مخاطب

////////////////////////////////////

- پاسخ در اطلاعیه در تاریخ 2024/11/16

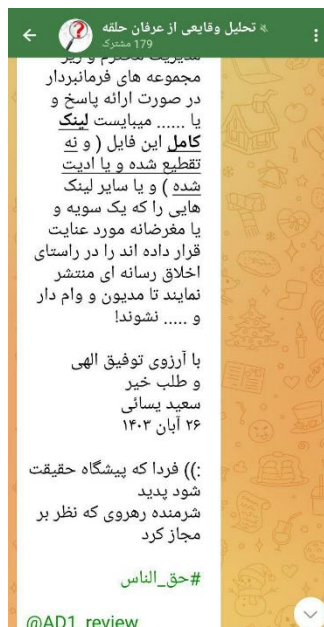


- وقتی داشتید آب در آسیاب دشمن می ریختید باید فکر اینجای کار را می کردید
- با هشتگ حق الناس همه خطاهای خودتان را به گردن دیگران نیاندازید



- انتشار ویس با مطالب کذب

- دخالت در اموری که به آقای یسایی اصلا ارتباطی نداشته و ندارد(اخراج آقای سبزیان پور) و موضوع خودمدیرپنداری ایشان





تحلیل وفایعی از عرفان حلقه 179 مشترک و خشنود و موفق بنظر میرسیدند و عده ای بی خیال و عده ای نیز همواره ناراضی و دلگیر و بیمار و معترض نسبت به همه چیز از جمله فلسفه خلقت و خدا و... خود، بودند! ناگهان از میان بیماران و معترضین، شخصی با ادعاهای شگفت انگیز و به ظاهر دلپسند و وسوسه کننده معرفتی، رونمایی و خودنمایی کرد؛ او خطاب به هر بیمار و معترض و نا آرام و... با کلیات و مضامین زیر سخن از وجود دنیای غیروارونه و شفایابی با رحمانیت عام، به میان آورد؛ او گفت: - من هم دقیقاً مثل شما، حتی صد برابر بد تر از شما، نسبت به همه چیز پرسشمند و معترض به ظلم و بی عدالتی ها و... هستی، بودم؛ ولی بلاخره پس از سیر و سلوک فراوان و...، ناگهان در کمتر از آتی بطور لحظه عین عدالت است! الآن - من فراکل نگر و فرادرانگر هستم؛ - من انسان و خلقت را از منظری دیگر می بینم و تعریف می کنم؛ - من به تمامی علوم و رموز خلقت کاملاً آگاه شده ام؛ - من مبلغ نیستم، بلکه معرف شعور و هوشمندی الهی هستم؛ - من حامل و عامل تفویض حلقه های رحمانیت عام الهی، هستم؛ - من (نزد خداوند سوگند یاد کرده ام که) این (امانت معنوی) را برای همه می خواهم؛ - من حلقه های رحمانیت عام را فقط به کسی تفویض می کنم که در پیشگاه خداوند سوگند یاد کند: در انتقال به دیگران، حافظ و امانتدار این امانت معنوی باشد؛ - من طبق تعریف می گویم: ما دو مسیر معرفتی داریم، یکی عرفان قدرت و دیگری عرفان کمال - من فقط مسیر عرفان کمال را دنبال می کنم؛ لذا - در این مسیر پیچاندن یکدیگر و کتمان و سیاست بازی و خاص پروری و کافری در آگاهی های دریافت شده و...	تحلیل وفایعی از عرفان حلقه 179 مشترک - در این مسیر پیچاندن یکدیگر و کتمان و سیاست بازی و خاص پروری و کافری در آگاهی های دریافت شده و... معمول در عرفان قدرت را، نداریم؛ - من طبق تعریف می گویم: در کالبد روان(هر انسان)، دو شبکه مجازی(فاز) مثبت و منفی نیز وجود دارد؛ - من هرگز به الهامات شبکه(فاز) منفی توجه و عمل نمی کنم؛ بلکه صرفاً عرفان نظری و عملی را در فاز مثبت دنبال می کنیم؛ - من می گویم: در مسیر کمال مراد و مریدی نداریم، پند و نصیحت نداریم، دعوای کلامی نداریم، هیچگونه منت و توقع و... نداریم، هر کدام تنها محقق و معرفت پژوه خودشناسی(نه دیگر شناسی) هستیم؛ ما هدفمون درمانگری نبود(نیست)!!... در واقع هدف اصلی مون: "تحوله"... (معرفت پژوه) راه بیفته دنبال یه سری مطالب و مجهولات ذهنی و فکری	تحلیل وفایعی از عرفان حلقه 179 مشترک متن ارسالی / پرسش و پاسخ پرسش: دعوا و تضادهای معرفتی را چه کسی اول شروع کرده؟ پاسخ: این سوال تقریباً مثل این است که بپرسیم: اول مرغ بوده یا تخم مرغ؟! ولی به تعبیری شاید بتوان با ارائه یک نمونه عینی چنین توضیح داد: مردم یک سرزمین، داشتند خوب یا بد، زندگی مادی و معنوی معمولی خودشان را میگردند؛ هر انسان عضو آن جامعه، پلاخره از پس رتق و فتق امورات مادی و معنوی فردی و خانوادگی و اجتماعی و سیاسی و معیشتی خود، بر می آمد؛ در این جامعه با منطق و ضوابط حاکم بر دنیای وارونه، عده اندکی راضی و خشنود و موفق بنظر میرسیدند و عده ای بی خیال و عده ای نیز همواره
--	---	--

تحلیل وفایعی از عرفان حلقه 179 مشترک چند ده سال با فراز و نشیب های خوب و بد متنوع و گوناگون، رابطه ی عارفانه بین شخص مطرح شده و خیل معرفت پژوهان آنچنانی، گذشت؛ تا اینکه خواهی نخواهی ظاهراً بین ایشان و شخص مدعی اولیه اختلافات و تضادهای بینشی و منشی غیر قابل کتمان نیز بوجود آمد؛ و اکنون هر یک دیگری را متهم به اول تو شروع کردی کرده! حالا، واقعا کی اول زمینه ی اینگونه اختلاف و تضادهای معرفتی را شروع کرده؟! @AD1_review @aslahane_96 ادیت: رفرنس متن فوق فایل صوتی مندرج در لینک زیر با عنوان "هدف ما" می باشد؛ بسیاری از معرفت پژوهان مدعی کمال این سخنان بسیار مهم را فراموش کرده اند و یا از این مفاد صریح، دوری و با بهانه هایی فرافکنی می کنند!	تحلیل وفایعی از عرفان حلقه 179 مشترک (معرفت پژوه) راه بیفته دنبال یه سری مطالب و مجهولات ذهنی و فکری خودش...؟ ✓ رفع نقصان های آگاهی شون، ✓ حل تضادهای وجودی شون... - من و شما(دو سوگند خورده در پیشگاه خداوند)، در مسیر کمال با هم همراه می شویم؛ تا بلاخره تحقق چهار صلح اساسی(با خدا، با هستی، با خود و با دیگران) در بینش و منش هر یک از شما نیز اتفاق بیفتد؛ با این وعده وعید ها و شرایط تعیین شده در مکتب معرفتی مربوطه بالا، عده زیادی با دلایل و توجیه های شخصی با اختیار یا بی اختیار جلب و جذب این گفته های غیر تبلیغی زیبا و جذاب معنوی و البته ایده آل انسان معترض، شدند؛ چند ده سال با فراز و نشیب های خوب و بد متنوع و گوناگون، رابطه ی عارفانه بین شخص مطرح شده و خیل معرفت پژوهان، آنچنانی، گذشت؛
--	--

متن ارسالی / پرسش و پاسخ

پرسش:

دعوا و تضادهای معرفتی را چه کسی اول شروع کرده؟

پاسخ:

این سوال تقریباً مثل این است که بپرسیم :

اول مرغ بوده یا تخم مرغ؟!

ولی به تعبیری شاید بتوان با ارائه یک نمونه عینی چنین توضیح داد :

مردم یک سرزمین، داشتند خوب یا بد، زندگی مادی و معنوی معمولی خودشان را میگردند؛

هر انسان عضو آن جامعه، بلاخره از پس رتق و فتق امورات مادی و معنوی فردی و خانوادگی و اجتماعی و سیاسی و معیشتی خود، بر می آمد؛

در این جامعه با منطق و ضوابط حاکم بر دنیای وارونه، عده اندکی راضی و خشنود و موفق بنظر میرسیدند و عده ای بی خیال و عده ای نیز همواره ناراضی و دلگیر و بیمار و معترض نسبت به همه چیز از جمله فلسفه خلقت و خدا و... خود، بودند!

ناگهان از میان بیماران و معترضین، شخصی با ادعاهای شگفت انگیز و به ظاهر دلپسند و وسوسه کننده معرفتی، رونمایی و خودنمایی کرد؛

او خطاب به هر بیمار و معترض و نا آرام و...، با کلیات و مضامین زیر سخن از وجود دنیای غیروارونه و شفایابی با رحمانیت عام، به میان آورد؛ او گفت:

-من هم دقیقاً مثل شما، حتی صد برابر بدتر از شما، نسبت به همه چیز پرسشمند و معترض به ظلم و بی عدالتی ها و... هستی، بودم؛

ولی بلاخره پس از سیر و سلوک فراوان و...، ناگهان در کمتر از آنی بطور معجزه آسا یقین یافتم، همه چیز در هر لحظه عین عدالت است!

الان

-من فراکل نگر و فرادرمانگر هستم؛

-من انسان و خلقت را از منظری دیگر می بینم و تعریف می کنم؛

-من به تمامی علوم و رموز خلقت کاملاً آگاه شده ام؛

-من مُبلغ نیستم، بلکه مُعرف شعور و هوشمندی الهی هستم؛

-من حامل و عامل تفویض حلقه های رحمانیت عام الهی، هستم؛

-من (نزد خداوند سوگند یادکرده ام که) این (امانت معنوی) را برای همه می خواهم؛

-من حلقه های رحمانیت عام را فقط به کسی تفویض می کنم که در پیشگاه خداوند سوگند یاد کند: در انتقال به دیگران، حافظ و امانتدار این امانت معنوی باشد؛

-من طبق تعریف می گویم: ما دو مسیر معرفتی داریم، یکی عرفان قدرت و دیگری عرفان کمال

-من فقط مسیر عرفان کمال را دنبال می کنم؛ لذا

-در این مسیر پیچاندن یکدیگر و کتمان و سیاست بازی و خاص پروری و کافری در آگاهی های دریافت شده و... معمول در عرفان قدرت را، نداریم؛

-من طبق تعریف می گویم: در کالبد روان(هر انسان)، دو شبکه مجازی(فاز) مثبت و منفی نیز وجود دارد؛

-من هرگز به الهامات شبکه(فاز) منفی توجه و عمل نمی کنم؛ بلکه صرفاً عرفان نظری و عملی را در فاز مثبت دنبال می کنیم؛

-من می گویم: در مسیر کمال

مراد و مریدی نداریم،

پند و نصیحت نداریم،

دعای کلامی نداریم،

هیچگونه منت و توقع و... نداریم،

هر کدام تنها محقق و معرفت پژوه خودشناسی(نه دیگر شناسی) هستیم؛

● ما هدفمون درمانگری نبود(نیست) ...!

📌 در واقع هدف اصلی مون:

"✓تحوله"،...

👤(معرفت پژوه) راه بیفته دنبال یه سری مطالب و مجهولات ذهنی و فکری خودش؟...

✓رفع نقصان های آگاهی شون،

✓حل تضادهای وجودی شون،...

-من و شما(دو سوگند خورده در پیشگاه خداوند)، در مسیر کمال با هم همراه می شویم؛ تا بالاخره تحقق چهار صلح اساسی(با خدا، با هستی، با خود و با دیگران) در بینش و منش هر یک از شما نیز اتفاق بیفتد؛

با این وعده وعید ها و شرایط تعیین شده در مکتب معرفتی مربوطه بالا، عده زیادی با دلایل و توجیه های شخصی با اختیار یا بی اختیار، جلب و جذب این گفته های غیر تبلیغی زیبا و جذاب معنوی و البته ایده آل انسان معترض، شدند؛

چند ده سال با فراز و نشیب های خوب و بد متنوع و گوناگون، رابطه ی عارفانه بین شخص مطرح شده و خیل معرفت پژوهان آنچنانی، گذشت؛

تا اینکه خواهی خواهی ظاهرا بین ایشان و شخص مدعی اولیه اختلافات و تضادهای بینشی و منشی غیر قابل کتمان نیز بوجود آمد! و اکنون هر یک دیگری را متهم به اول تو شروع کردی کرده!

حالا، واقعا کی اول زمینه ی اینگونه اختلاف و تضادهای معرفتی را شروع کرده؟!

@AD1_review

@aslahane_96

ادیت:) رفرنس متن فوق فایل صوتی مندرج در لینک زیر با عنوان " هدف ما " می باشد؛

بسیاری از معرفت پژوهان مدعی کمال این سخنان بسیار مهم را فراموش کرده اند و یا از این مفاد صریح، دوری و با بهانه هایی فرافکنی می کنند!

https://t.me/aslahane_96/5986

- تمسخر پیدایش عرفان کیهانی حلقه
- فراموش کردن جایگاه شاگردی و معلمی
- اختلاف بر سر موضوع بینش و منش نیست، بلکه دخالت بیجا در اموری است که اصلا ربطی به ایشان ندارد(خود مدیرپنداری)

////////////////////////////////////



متن ارسالی / آدم های آئینه ای

با اوصاف این چند ماه اخیر مطمئن شدم هیچ تحولی در ساختارها و سیاست های غلط موجود در مجموعه رخ نخواهد داد.

دارم سعی می کنم که کلمه "تغییر" را که مزاحم ذهن و زندگی ام شده است از دانسته های واژگام به فراموشی بسپارم. تغییر ممکن نیست چون آنها که باید منشا تغییر و تحول باشند گوش های خود را با پنبه پر کرده اند و دیگر هیچ صدایی را نمی شنوند مگر صدای مدح و ثنای خود را. آنها که کلید تغییر را در جیب دارند بر روی گوش هایشان فیلترهای انتخابی گذاشته اند. کم و کوچکترین صدای تمجید و تشویق و تعریف را می شنوند اما نعره ها و ناله های نقد و انتقاد را هرگز نمی شنوند. گوش حضرات با چانه چاپلوس ها سِت شده است گویا!

یک گوششان در است و آن دیگری دروازه. فریادهای مطالبه گری، مسئولیت خواهی، حق طلبی، ظلم ستیزی و عدالتخواهی از در وارد و از دروازه خارج می شوند.

من هم مثل یسایی ها ناامیدم از تغییر و تحول در امور جاری و اجرایی مجموعه! مایوسانه به خود می گویم کجای این شمایل شلخته ایستاده ام؟ واحسرت و واویلا آنها را که سالیان سال دوندگی کرده اند را نشنیدند و چنین بر ایشان تاختند! چه برسد به امثال من؟ هیچ امیدی به تحولی هر چند اندک ندارم چون محبوبین این جماعت و آن مدیریت، باید از اعضای سینه چاک اقلیتی باشند با نام " اقلیت خدمتگزار " که یا جیب صاحب منصبان را خیلی تُپل پر کرده باشند و یا

بی جیره و مواجب شمشیر ببندند و صغیر و کبیر را که مخالفتی با کوچکترین برنامه های مدیران اعظم و میانی داشته باشند از لب تیغ بگذرانند. بعد برای خود رزومه سازی کنند، تحویل دهند تا درلیست سرسپردگان قرار گیرند.

در این وادی خالی از عرفان و معرفت، صاحبان مناصب و خدایان منابر برای معرفت پژوه مطالبه گر نقشی بهتر و بالاتر از ترکه و توبیخ و تهدید و بلاک و اخراج قائل نیستند! حضرات خودشان را فقط سنگ زیر آسیاب فرض می کنند.

امید هیچ امدادی نیست چون مجموعه را با نگاهی متعصب و دیکتاتوری بسته و ساختار متصلب به منتقد و مطالبه گر را بی محل و بی اعراب می دانند. هیچ صدایی شنیده نمی شود الا صدای ثنا و ستایش. بلندگویی بالا نمی رود مگر برای تقدیر و تمجید. ساختار فعلی بهشت مداحان و چاپلوس ها و جهنم منتقدان و آدم های آئینه ای است.

در جمع ها و مجموعه های باز و دموکراتیک، منتقد و مطالبه گر همانند آئینه مقابل همگان می ایستند و زشتی ها و زیبایی ها را نمایش می دهند. ساختارهای باز، دموکراتیک و عقلانی آئینه را لازمه آراستگی و آرامش خود می دانند و در مقابل آن کژی ها و کاستی های خود را راست و ریس می کنند و دائما به روز و بهتر می شوند.

جمع هایی بمانند جمع حاضر که سر و وضعشان و با این خروجی های اخیر رسانه ای، آشفته و لباس و رختشان بسیار نامناسب است به یقین که یا مقابل آئینه ها نمی ایستند یا می ایستند اما آئینه ها را در عریان کردن عیب و ایراد خود مخمل و مزاحم می دانند.

ساختارهای توتالیتار و دیکتاتوری با آئینه ها پدرکشتگی دارند. آئینه ها را آزارگر تلقی می کنند. چون قادر به پیرایش و پیراستن عیوب خود نیستند. از آئینه ها کینه به دل می گیرند. آئینه ها و آدم های آئینه ای پیرایشگران عیب ها و ایرادها هستند. هر کس و هر جمعی که به آئینه ها بی محلی کند، با عیوب خود خواهد مُرد و یا جمعی را به قهقرا خواهد برد.

با رویه های فعلی، هر فرد منصف و آزاده ای از هر تغییر و تحولی ناامید می شود. چون که صاحبان مجموعه با ایده هایی بسته و با ساختارهایی غیردموکراتیک و معیوب اولین کاری که می کنند آئینه ها را می شکنند. آئینه ها را از جلوی خود برمی دارند. روی آئینه ها پرده می کشند و در پستو می گذارند. آدم های آئینه ای را سرکوب و اخراج می کنند.

مجموعه و خانه ای که آئینه نداشته باشد سر و وضع ساکنانش هیچ گاه به سامان نخواهد شد.

وقتی که آدم ها و آئینه های واقعی را حذف می کنیم مجبوریم خود را در هر شیشه مات و مکدری تماشا کنیم. آئینه های ناپاک و مات و مکدر همان عقاید معیوب و دیکتاتوری، مجیزگویان و برده های معنوی هستند. آدم هایی که به اخلاق و شرف چوب حراج می زنند و اولین کاری که می کنند آئینه ها و آدم های آئینه ای را از سر راه ساختارهای پر عیب و ایراد برمی دارند. این افراد که خود را به ناچیزها فروخته اند به توجیه گران کمی ها و کاستی های ساختار معیوب تبدیل خواهند شد و ترمز هرگونه تغییر و اصلاح هستند.

@AD1_review

aslahane_96@

- اتهام زنی به مکتب عرفان کیهانی حلقه و شخص بنده
- تحریف اذهان مخاطبین از موضوع توهین و هتاک به اقلیت خدمتگزار به موضوعات دیگر
- زیر سوال بردن چهارچوب مدیریتی و نقد بی جا و ادعای پرسشگری و ...
- اتهام مجیز گویی و ترور شخصیتی اینجانب در اذهان عمومی

////////////////////////////////////



متن ارسالی / اخلاق احترام و اخلاق شفقت

دوستانی از مجموعه عرفان بر سعید یسایی تاختند که تو در برابر استادت ادب و احترام را رعایت نکردی، حق شاگردی به جا نیاوردی.

اما در ویدیوی منتشر شده بیش از آنکه فقدان احترام به چشم بیاید فقدان شفقت و کرم دیده می شد.

فریادهای سعید یسایی نه ناشی از بی احترامی که از سر درد و هزار زخم نهان بود؛

این چه استغناست یارب وین چه قادر حکمت است

کاین همه زخم نهان هست و مجال آه نیست (حافظ)

ای کاش استاد، اخلاق شفقت را به جا می آوردند در برابر شاگردی دردمند و به جای نشان دادن قدرت و جایگاه خود از در مهر و همدلی وارد می شدند.

در تمام لحظات مشاهده ی ویدئو با خودم فکر می کردم که با یک دلجویی پدرا نه از پسری دردمند تمام این جنگ و دعواها پایان پیدا می کرد.

در آن لحظه تمام عارفان و قدیسان عالم از جلوی چشم عبور کردند، اگر عیسی مسیح، مولانا، مادر ترزا و ... در آن صحنه جای استاد بودند، تلاش می کردند که جایگاه استادی خود را به آقای یسایی نشان دهند یا با شفقت بر زخم های او مرهم مهر می گذاشتند.

تفاوت یک عارف و انسان کریم با دیگر انسان ها این است که اخلاق او مبتنی بر شفقت است و نه احترام و جایگاه که به قول مولانا:

با کریمان کارها دشوار نیست

@AD1_review

aslahane_96@

- من از حق خودم می گذرم ولی از حق الناس (اقلیت خدمتگزار) نخواهم گذشت
- مدیریت بر اساس عدالت و مدیریت بر اساس برابری در مکتب عرفان کیهانی حلقه اجرا میشود
- رابطه استادی و شاگردی رابطه نشان دادن ضرب شست نیست و طبیعتا هر استادی میخواهد به شاگرد کمک کند که از منجلاب جهل نجات پیدا کند. ولی اگر شاگردی نخواهد نجات پیدا کند، علیرغم اینکه استاد یک رشته ای به آن شاگرد مدتهای مدید هم فرصت بدهد آن موقع چه باید کرد؟

////////////////////



متن ارسالی

من کوچکترین شاگرد مجموعه هستم و نمیتونم قشنگ بنویسم ولی بارها و بارها و روزها با خودم فکر کردم چرا مجموعه ای که نام عرفان و خودشناسی رو یدک می‌کشد به این ابتدال رسیده که بعضی شدن اقلیت و بقیه اکثریت گناهکار.

چرا اعضا دارن میرن به سمت پاچه خواری و مجیزگویی و وقتی تذکر میدیم میشیم به تضاد خورده و اخراجی؟

مگر نه مسیر عرفان و نجات جمعیه؟

مگر نه باید بال همدیگه بود در نجات و یار بود در جبران اشتباه؟

مگر نه بزرگتر باید رأفت داشته باشه و چشم پوشی حتی اگر شاگرد دچار لغزش و اشتباه شده باشه؟

مگر نه بزرگتر باید تذکر بده در خفا و شاگردشو هدایت کنه با آرامش و دلیل؟

پس چرا عده ای قلیل فقط صداشون شنیده میشه؟

چرا اون عده مشخص و انگشت شمار حرفاشون مورد قبوله با اینکه از سالها پیش معلوم بود دنبال خودنمایی و بزرگنمایی خودشونن تو مجموعه؟

چرا حتی آدمهای خارج از مجموعه به اعمال و رویکرد عرفانیها ایراد میگیرن؟

چرا دیگه کمتر کسی تمایل به وارد شدن به مجموعه داره؟

چرا تازه به مجموعه اومده ها و حتی قدیمی ترها دارن فرار میکنن؟

به این فکر کنیم که کجای کارمون اشتباهه از بزرگتر بگیر به پایین؟

اینکه شروع کنیم تو گروههای توسعه و تو اینستاگرام به کوبیدن همدیگه و سوال کننده ها رو بایکوت و حذف کنیم جای تأسف داره واقعا.

اینکه بریزیم تو پیج بقیه به اسم یه عرفانی و حرفای زشت بزنییم به اسم طرفداری از استاد رقت آورده و نشون میدی چیزی از درس خود استاد نفهمیدیم.

القصه مجموعه ای که داشت خوب رو به جلو میرفت چرا باید به اینجا برسه که بگیم ریزش داره اخراج داره چرا باید اینقدر دافعه و نفرت داشته باشه؟

کاش کمی دور از تعصب تعقل میکردیم و از بادمجون دور قاب چینا دوری میکردیم.

کاش استاد صدای مارو هم بشنون کاش استاد تو اعمال اقلیت تجدیدنظر کنن کاش استاد مجموعه رو به ارتقا و وحدت و همدلی هدایت کنن.

@AD1_review

aslahane_96@

- تخریب مکتب عرفان کیهانی حلقه
- شانتاژ خبری مطابق با منویات موسسه امنیتی تروریستی بهداشت معنوی
- تخریب شخصیتی خود من
- تخریب اقلیت خدمتگزار
- گرفتن ژست‌های روشن فکری به منظور وارد کردن انواع هجمه و ...

جمع بندی:

- ادامه پروژه های نیمه تمام اتاق فکر بی فکر ثاراللهی در جهت تخریب و ترور شخصیتی شخص من و مکتب عرفان کیهانی حلقه
- القای اینکه مکتب عرفان کیهانی حلقه هیچ باعث رشد و تحول در افراد نشده چرا؟ چون افراد در صدد پاسخگویی به هجمه های معلوم الحالان اقدام کرده اند
- تخریب پایه های مدیریتی (دادن اطلاعات غلط – تصمیم گیری های نادرست – سپردن پست و مقام ها به افراد فاقد صلاحیت – اخذ تصمیمات نادرست و ...)
- تخریب افراد فعال مجموعه به منظور بی اعتبار کردن افراد برای انجام کار و در نهایت خسته و زده کردن افراد و کنار کشیدن آنها و ...
- دخالت در امور مختلفی که ربطی به ایشان نداشت
- پافشاری به در دست گرفتن اذهان عمومی مجموعه و انتشار مطالب کذب و مغرضانه
- آب در آسیاب دشمن ریختن باتوجه به اینکه آقای سعید یسایی در داخل مجموعه بوده و با دشمن و دوست مجموعه اشناست و میدانند چه ضربه ای در چه زمانی و تحت چه عناوینی وارد نمایند
- زیر سوال بردن تاثیر گذاری مثبت مکتب عرفان کیهانی حلقه در افراد علیرغم شهادت هزاران هزار نفر بر این موضوع
- زیر سوال بردن حقانیت و جایگاه من به عنوان بنیانگذار و معلم و ایجاد تشکیک در آن که بدین وسیله افراد مختلف هم راحتتر به خود اجازه هتاک را بدهند و ...